Journal of Religion and

REVIW ARTICLE

2013, Vol: 1, No: 1, Pages: 33-46

# *Study of Instructors' Spiritual Factors in Medical Science Education by Emphasizing on Revealed Teachings*

Zakavi A A[1*], Marzband R[1]

1-Ali asghar Zakavi, Dept of Islamic Thought, Faculty of Medicine, Sari, Iran

**Corresponding Author:**
Ali asghar Zakavi, Dept of Islamic Thought, Faculty of Medicine, Mojtamae Payambare Aazam, Kiloometr 18 Jaddeh Darya, Sari, Iran

E-mail:
a.zakavi2009@gmail.com

**Received: 9 Apr 2013**

**Revised: 11 May 2013**

**Accepted: 7 Jun 2013**

## *Abstract*

The education has been attention by scientists as the most important method to transfer the knowledge and skills to students. Quantitative and qualitative development in science, spatially in last centuries, has increased its importance. The spirituality can increase the affectivity, convenience in the process of education, psychological safety in students. The purpose of this article is to Study on theinstructor's spiritual factors in medical science education by emphasizing on revealed teachings.

This is a review article by the analytic method. In the way of the purpose, the necessary information has collected by study on Holy Qurân, the interpretational references and Hadith books. We searched in some data base as Sid, Noormags and magiran, on the base of some keywords like: medical science education, spirituality and Qurân. Then this information has documented and analyzed.

It became clear that the Monotheistic view to world and human are the most important spiritual base, by study on Qurân and Hadith. Some instructor's spiritual factors in medical science education are: possessing the good heart, spiritual view to science, attention to divine laws, the responsibility, absolute sincerity in education, humility in front of God and people, continued scientific try, to be update, considering to the educational laws and professional ethics.

The spiritual instructor has an especially attitude to science, education, students and medical science. He has the collection of Quran- spiritual factors that mentioned above, and arranged all of his behaviors according to Monotheistic view, Divine law and professional ethics. He tries to play his roles in the realm of education and training, better and more effective.

***Keywords:*** medical science, education, spirituality, Qurân, instructor, factors**.**

J Religion & Health 2013; 1(1) :33-46.( Persian)

[ Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-22 ]

مجله دین و سلامت
دوره اول، شماره ۱ ، سال۱۳۹۲ صفحه: ۴۶-۳۳

# بررسی شاخص‌های مدرس معنویت گرا در آموزش علوم پزشکی با تاکید بر آموزه‌های وحیانی

علی اصغر زکوی *[1] ، رحمت اله مرزبند [1]

۱- گروه معارف اسلام ی دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشک ی مازندران، ساری ، ایران

**مؤلف مسئول: علی اصغر زکوی**
گروه معارف اسلام ی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشک ی مازندران ، ساری.

**E-mail:**
a.zakavi2009@gmail.com

دریافت : ۳۱ فروردین ۱۳۹۲
اصلاحات: ۱ خرداد ۱۳۹۲
پذیرش: ۲۶ خرداد ۱۳۹۲

## چکیده

آموزش، همواره به عنوان مهم‌ترین روش انتقال دانش و مهارت به فراگیران مورد توجه دانشمندان بوده است. گسترش کمی و کیفی دانش به خصوص در قرون اخیر، اهمیت مساله آموزش را دوچندان کرده است. معنویت گرایی می تواند باعث افزایش اثربخشی، سهولت در فرآیند یاددهی- یادگیری، و امنیت روانی در دانشجویان شود. هدف این مطالعه بررسی مهمترین شاخص‌های معنویت گرایی مدرس در فرآیند آموزش پزشکی، با رویکرد وحیانی است.

این پژوهش از نوع مطالعه مروری بوده و از روش تحلیلی و مفهومی استفاده شده است. بر اساس هدف تحقیق، اطلاعات لازم از منابع تفسیری جمع آوری و در ادامه بر اساس کلید واژه‌های چون: آموزش پزشکی، معنویت، قرآن جست و جو در بانک‌های اطلاعاتی از قبیل NOORMAGS, SID, MAGIRAN صورت گرفت. سپس اطلاعات به دست آمده دسته بندی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

با بررسی آموزه‌های قرآن و حدیث معلوم شد که نگاه توحیدی به جهان و انسان از مهم‌ترین مبانی معنویت گرایی هستند. برخی از شاخص‌های معنوی در یک مدرس علوم پزشکی، عبارتند از: برخورداری از قلب سلیم، نگاه معنوی به علم، تکلیف گرایی، احساس مسئولیت، اخلاص در آموزش، تواضع در برابر خدا و خلق، پاکی در گفتار، امانت داری، جهاد مستمر علمی، به روز بودن، احترام به مقررات آموزشی و اخلاق حرفه‌ای.

مدرس معنویت گرا، نگاه ویژه‌ای به علم، آموزش، دانشجو، حرفه استادی و علوم پزشکی دارد. وی آراسته به مجموعه‌ای از مهم‌ترین شاخص‌های معنوی- قرآنی پیش گفته است، و تمام رفتارهای خود را در فضای آموزشی بر محور توحید، شریعت و اخلاق حرفه‌ای رقم می زند. و با این سرمایه معنوی- قرآنی می کوشد نقش خود را در عرصه آموزش و تربیت دانشجویان، بهتر و موثرتر به انجام برساند.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش، علوم پزشکی، معنویت، قرآن، مدرس، شاخص‌ها

## مقدمه

امروزه گرایش به معنویت در عرصه های آموزشی به طور بسیار جدی مورد توجه قرار گرفته و باعث افزایش اثربخشی و سهولت در فرآیند یاددهی- یادگیری و نیز امنیت روانی در یادگیرندگان می‌شود(۱).

**معنویت گرایی:** در آموزش پزشکی، بر نقش عوامل معنوی در فرآیند یاددهی- یادگیری در محیط آموزشی تاکید دارد. توجه به معنویت در آموزش پزشکی نیازمند برنامه ریزی دقیق است . برنامه آموزشی، منتقل کننده



[ Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-22 ]

مفاهیم معنویت از طریق محتوا و برنامه آموزشی است و فراهم کننده زمینه نیل به سطوح بالاتر آگاهی و معنی دار کردن زندگی می‌باشد. برنامه آموزش معنوی تنها وسیله‌ای برای درک محتوای آموزشی نیست بلکه حرکتی فراتر از استدلال و شیوه‌های تحلیلی و اندیشه ورزی است که معمولا در خلال آموزش صورت می‌گیرد (۲).

از آن جا که مدرس دانشگاه، نقشی کلیدی در سه حیطه: شناختی، عملی و عاطفی دارد و میزان آگاهی، تخصص و رفتار او در کیفیت این فرآیند بسیار موثر است نقش و رسالت او منحصر به فرد است . در آموزش مبتنی بر معنویت گرایی، مدرس تنها یک انتقال دهنده دانش ها و مهارت‌ها نیست بلکه الگویی با نفوذ و تاثیر گزار است که با بینش، اخلاق و عمل خود می‌تواند بر دانشجویان تاثیر بگذارد. امام صادق(ع) می‌فرماید: هرکه از روی ناآگاهی و عدم بصیرت عملی را انجام دهد، به مانند کسی است که در غیر راه مورد نظر، در حال حرکت است و هر چه سریع‌تر حرکت کند بیش تر از مقصدش دور می‌شود (۳-۴). هدف این پژوهش تعیین اصلی ترین شاخص های معنویت گرایی یک مدرس، بر مبنای آموزه های وحیانی است تا زمینه برای آراستگی هر چه بیشتر مدرسان آموزش پزشکی به این شاخص ها فراهم آمده، تاثیر خود را در کیفیت آموزش به منصه ظهور برساند.

برای دستیابی به هدف پژوهش، بعد از تعریف معنویت و بیان مبانی آن، شاخص های معنویت گرایی برای مدرس علوم پزشکی در دو محور بررسی شده است: حیطه شناختی (عقائد، ارزش‌ها) و حیطه رفتاری (فقهی، اخلاقی و عبادی).

این پژوهش از نوع مطالعه مروری بوده و در آن از روش تحلیلی و مفهومی استفاده شده است . بر اساس هدف تحقیق، اطلاعات لازم از منابع تفسیری و حدیثی جمع آوری و در ادامه بر اساس کلید واژه هایی چون: آموزش پزشکی، معنویت، قرآن جست و جوی لازم در بانک‌های اطلاعاتی از قبیل Noormags, Sid, Magiran انجام پذیرفت و سپس اطلاعات به دست آمده دسته بندی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**تعریف معنویت:** برای معنویت واژه spirituality به کار رفته است و از کلمه لاتین spiritus به معنی نفس، از ریشه spirare به معنی دمیدن یا نفس کشیدن می‌آید. در ترجمه‌های لاتین عهد جدید spiritualis یا شخص معنوی، کسی است که زندگی اش تحت امر یا نفوذ روح القدس یا خداست (۵).

برخی(۶) معتقدند هنگامی با موضوعات معنوی روبرو می‌شویم که دچار حیرت می‌شویم در باره این که جهان از کجا آمده است، چرا ما این جا هستیم، یا بعد از مرگ ما چه اتفاقی می‌افتد. هم چنین زمانی معنوی می‌شویم که با ارزش هایی مانند زیبایی، عشق، یا خلاقیت مواجه می‌شویم که به نظر می‌رسد معنا یا نیرویی فراتر از جهان محسوس را آشکار می‌کنند. یک ایده یا عمل "معنوی" است زمانی که تمایل شخصی ما را برای اثبات یک ارتباط احساسی (یا عاطفی ما را ) با معنایی عمیق تر یا نیروهایی که بر جهان حاکم هستند، آشکار سازد.

از نظر برخی از صاحبنظران(۷) با کاهش عضویت ادیان نظام مند و رشد سکولاریزم در دنیای غرب، نگاه وسیع‌تری از معنویت گرایی ظهور کرده است اصطلاح معنویت گرایی در حال حاضر به طور مکرر در متونی بکار رفته است که پیشتر اصطلاح دین به کار می‌رفت. در ضمن، جریان جایگزین سازی، که با آغاز انقلاب صنعتی در اروپا رخ داد اکنون به حوزه معنویت رسیده و در مواردی معنویت بریده از وحی، جانشین معنویت توحیدی شده است(۸).

کلمه معنویت مصدر جعلی از واژه "معنوی" ساخته شده است و از واژه "معنی" مشتق گردیده است . بنابر این معنوی، یعنی منسوب به "معنی" و در مقابل لفظی قرار دارد (۹). "معنی" امری است که در ورای الفاظ و عبارات قرار دارد؛ از این رو "معنا" به موقعیتی اشاره دارد که دست کم شامل دو لایه باشد : یکی ظاهر که حکایت گر است و دیگری باطن که محکی است (۱۰).

معنای زندگی نیز امری متعالی است که در قلمروی بیرون از فرایند عادی زندگی قرار دارد و زندگی، زمینه‌ای برای رسیدن به آن است . معنای زندگی برای هر شخص، مبتنی بر شناخت او از ماهیت هستی و جایگاه انسان و زندگی او در جهان است (۱۱).

معنویت، به معنای معناداری کل زندگی است نه فقط بخشی از آن . اولین شرط معنویت و زندگی معنادار آن است که فرد همه اعمال خود در زندگی را در راستای هدفی واحد تنظیم کند (۱۲)، به گونه‌ای که فقط یک هدف غایی برای او مطرح باشد و مطلوبیت سایر اهداف،



[ Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-22 ]

مطلوبیتی غیری بوده، تنها به عنوان اهدافی متوسط و مقدمه مورد توجه و اراده وی قرار گیرند.

در آموزه های قرآن، ما از خداییم و به سوی او باز می‌گردیم(۱۳)، او هدف غایی زندگی است، و دست یابی به عالی ترین مراتب "قرب الهی" هدف اصلی آفرینش انسان دانسته شده است (۱۴) و رسیدن به این غایت یا معنا فقط از مسیر "عبودیت" امکان پذیر است (۱۵). در قرآن کریم از زبان ابراهیم(ع) آمده است: در حقیقت نماز و سایر عبادات من و زندگی و مرگ من، برای خدا، پروردگار جهانیان است (۱۶). معنویت در اندیشه قرآنی، جستجوی چنین هدفی در زندگی، از طریق ایمان، عمل صالح و نفی بندگی غیر خداست (۱۷).

**۱. مبانی معنویت گرایی مبتنی بر وحی**

تفاوت میان دو انسان معنویت گرا و مادی گرا را، باید در مبانی فکری و معرفتی آن‌ها ؛ به خصوص نوع نگاه آنان به: جهان، خدا، انسان و حیات جست و جو کرد . مهم‌ترین مولفه‌های معنویت گرایی در قرآن عبارتند از:

**اول. دو ساحتی دیدن جهان .** جهان، نه فرآورده خود به خودی طبیعت و ماده، که مخلوق خداست که : "آسمان‌ها و زمین و آن چه میان آنهاست را آفرید "(۱۸). اوست که جهان را از کتم عدم به روشنای هستی آورده است. نخستین شاخص معنویت گرایی، باور به این حقیقت است که جهان دو ساحت دارد : عالم شهود (طبیعت) و عالم غیب (ماوراء طبیعت)؛ ایمان به غیب، نخستین وصف متقین و نخستین شرط هدایت یابی از قرآن کریم است (۱۹). قرآن از باطن عالم به " ملکوت" تعبیر می‌کند که آن را به ابراهیم (ع) نمایاند (۲۰). آنان که حواسشان به طبیعت و ماده عادت کرده است توانایی درک عالم غیب را ندارند و به تعبیر قرآن از باطن جهان غافل‌اند (۲۱).

در نگاه معنوی به جهان هستی، طبیعت ریشه در ماوراء طبیعت دارد و فیلسوفان مسلمان با تبیین های عقلانی خویش و با الهام از معارف قرآن، جهان را دارای مراتب چهارگانه دانسته‌اند: عالم ماده، عالم مثال ، عالم عقل، عالم اله. عالم ماده، به "عالم ملک" و بقیه عوالم به "عالم ملکوت " تعبیر شده است (۲۲-۲۳). مدرس معنویت گرا، کسی است که خود را از حصار تنگ ماده و طبیعت رها ساخته، چشم به جهان ماوراء طبیعت گشوده است و جهان را دو ساحتی می‌بیند.

**دوم. دو ساحتی دیدن انسان .** در منطق قرآن، انسان، تعریف ارسطویی "حیوان ناطق" را بر نمی تابد زیرا بسیاری از حیوان ناطق‌ها، مانند چهارپایانند (۲۴). انسان دو بعدی است: بدن مادی و روح الهی (۲۵). روح، منشاء حیات ویژه‌ای است که فصل الخطاب حقیقت انسان است.

انسان در تعریف قرآنی، عبارتست از حی متاله (زنده الهی). واقعیت حیات انسان، چیزی جز تاله و دلباختگی به جمال و جلال الهی نیست . تا آنجا که اگر حیات متالهانه فطری خویش را، زیرخاک های تیره جهل و عصیان مدفون کند دیگر زنده نیست، مرده است (۲۳) اما مرده متحرک (۲۶).

مدرس معنویت گرا، بعد روحی انسان را اصیل دانسته، خود و دانشجویانش را جلوه‌ای از جمال حق و جانشین خدا در روی زمین (۲۷) می‌بیند و همراه با کسب دانش و مهارت در عرصه پزشکی، تربیت روح را به عنوان یک اصل در کانون توجه خود قرار می‌دهد.

**سوم. دو ساحتی دیدن حیات .** حیات انسان دو معنا دارد: اول. حیات طبیعی، که همه جانداران از آن برخوردارند. دوم. "حیات حقیقی یا معنوی" که در "تاله" و الهی شدن انسان شکل می‌گیرد و حیات متالهانه انسان، به توحید اوست؛ اگر بینش توحیدی ، از او سلب شود در فرهنگ جامع دین، در شمار مردگان در می‌آید (۲۸).

خداوند به پیامبر (ص) می‌فرماید: " تو نمی توانی سخن خود را به گوش آنان که در گور خفته‌اند برسانی"(۲۹). آنان که ایمان به توحید می‌آورند زنده‌اند به حیات حقیقی؛ اما دیگران که در گورستان شرک و کفر و بی ایمانی افتاده‌اند، از حیات حقیقی بی بهره‌اند (۲۸). علی(ع) عالم نمایان فرو رفته درشبهات و بدعت ها را مردگان در میان زندگان دانسته است (۳۰). انسان و بلکه سراسر هستی، ماهیت از اویی و به سوی اویی داشته و حیات ابدی را در پیش رو دارد و خالق هستی راه سلامت انسان در مسیر حیات ابدیش را نیز نمایانده است :" خداوند به برکت آن- قرآن-، کسانی را که از خشنودی او پیروی می‌کنند، به راه‌های سلامت، هدایت می‌کند"(۳۱).

با توجه به این مبانی سه گانه ، معنویت یعنی شناخت و ایمان راستین به خدای متعال و تنظیم همه

[ Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-22 ]

رفتارها بر اساس آن، عالم را محضر خدا دیدن، در محضر او از معصیت پروا کرد ن؛ خیرخواه همه انسان ها بودن و به همه خوبان عالم مهرورزیدن.

## ۲. شاخص‌های معنویت گرایی استاد در حوزه آموزش پزشکی

برخی از محققان (۳۲) برای مدرس و یاد دهنده، نقش‌های متعددی برشمرده‌اند. اما مدرس معنویت گرا با تکیه بر مبانی پیش گفته، نگاه ویژ ه‌ای به جهان، انسان، آموزش، دانشجو، کلاس، حرفه استادی، اهداف آموزشی، اخلاق، قوانین و مقررات آموزشی و غیره دارد . وی برای ایفای نقش‌های خود، نیازمند مجموعه‌ای از شاخص‌ها در دو حیطه : الف. شناختی (اهداف، عقائد، ارزش ها) ب. رفتاری (فقهی، اخلاقی و عبادی ) است که در ا دامه به معرفی مهم‌ترین آن‌ها پرداخته شده است:

**الف. حیطه شناختی(عقائد، ارزش‌ها)**

**برخورداری از قلب سلیم** . حیات معنوی قرآنی با کلید واژه "قلب سلیم " گره خورده است . با توجه به صفات و امور متنوعی که در قرآن به "قلب"، نسبت داده شده است از قبیل : درک کردن، اندیشیدن، ایمان و تقوا می‌توان دریافت که قلب، همان روح انسان یا یکی از ابعاد روح است (۳۳).

معنویت گرایی انسان، در گرو برخورداری از " قلب سلیم" است. قلب سلیم از آن کسی است که در حوزه شناخت، واقعیت‌های غیب جهان را بشناسد و به ایمان نائل گردد (۸). به تعبیر امام صادق (ع): قلب سلیم را کسی دارد که پروردگارش را ملاقات می‌کند در حالی که در دلش غیر خدا نیست (۳۴).

**نگاه معنوی به علم** قرآن به تفکر در آسمان، زمین، نظم شگفت انگیز آن، خلقت انسان، به خصوص مطالعه در نفس و عوالم باطنی دعوت می کند و بدا ین ترتیب به آموختن علوم طبیعی، ریاضی، فلسفی، فنون ادبی و بالاخره همه علومی دعوت می کند که تعلم آن ها به نفع جهان بشری و سعادت بخش جامعه انسانی است؛ البته به این شرط که این علوم، جهان بینی حقیقی را که سرلوحه آن خداشناسی است در بر داشته باشند وگر نه با جهل مرادف است (۳۵).

اگر پرده برداشتن از اسرار "کتاب شریعت" که گفتار خداوند است علم اسلا می‌است هرعلمی که پرده از اسرار "کتاب طبیعت "، که فعل خداست، بردارد باز هم علم اسلامی است ؛ لذا در صدر و ساقه مراکز علمی (اعم از حوزه و دانشگاه) علم غیردینی وجود ندارد (۳۶). به تعبیر دیگر « علم، مادی و معنوی ندارد، ...و چشم باز انسان درحال حرکت است (۳۷). تمامی دانش ها، ابزار معرفت حق و شناخت اسماء حسنای الهی اند(۳۸). با این تعریف، هر علمی، علم دینی است و می‌تواند باعث رفعت مقام انسان گردد.

"علم طب هم، اگر نظر آیت و علامت به سوی آن ها داشته باشیم داخل در آیه محکمه هستند "(۳۹). قرآن کریم از آیات انفسی و آفاقی سخن گفته است (۴۰) و دانش پزشکی و مدرس آن، می‌تواند دانشجو را به عظمت آفرینش و آفریننده آن رهنمون شود.

مدرس معنویت گرا با این نگاه قرآنی به علم، می‌تواند تقدس ذاتی علم، به ویژه دانش پزشکی و علوم مرتبط را به دانشجویان گوشزد نماید تا طبابت را که با شریف‌ترین موجودات سروکار دارد با دنیاگرایی مذموم نیالایند.

**مقدس دانستن هنر استادی.** مدرس معنویت گرا به خوبی می‌داند که معلمی شغل انبیاست، و او بر کرسی مقدسی تکیه زده، و به نقش الگویی خود در دانشگاه و فضای آموزشی درمانی به خوبی واقف است . او تعلیم را از جمله بارز ترین مصادیق انفاق و احسان در حق دانشجویان می‌داند. امام صادق (ع) در تفسیر آیه: و مما رزقناهم ینفقون، فرمود: یعنی آموخته‌های علمی خود را می‌گسترانند (۴۱).

امام رضا(ع) فرمود: جنبندگان زمین و ماهیان دریا و هر موجود زنده‌ای در فضا و ساکنان آسمان و زمین برای معلم و مدرسی که خیر را می‌آموزد استغفار می‌کنند (۴۲) و بی تردید آموزش دانش پزشکی که با سلامت انسان به عنوان جانشین خدا در روی زمین سروکار دارد از بالاترین کارهای خیر و نیکوست . مدرس معنویت گرا به جایگاه طب نیز کاملا آگاهی دارد که پیغمبر فرمود : علم بر دو نوع است علم ابدان و علم ادیان (۴۴-۴۳). بنا بر این می‌کوشد تا ضمن انتقال دانش و مهارت و تخصص، تفکر معنوی اش را در رفتار و آموزش خود، متجلی سازد تا دانشجویان به عنوان فرزندان معنوی او، آن‌ها را سر لوحه منش و روش خود قرار دهند.

[ Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-22 ]

**تکلیف گرایی.** در تفکر معنوی ، کم فروشی حرام است. بنا بر این مدرس معنویت گرا در انتقال مفاهیم تخصصی خود، از ه یچ تلاشی دریغ ن می ورزد و برای کسب در آمد حلال در قالب حقوق و مزایای ماهیانه، ورود و خروج در کلاس و بیمارستان های آموزشی را رعایت نموده، تاخیرها را با تلاش بیشتر جبران می‌کند. استاد معنویت گرا که قرار است وارث انبیاء و پل ارتباطی میان خدا و خلق باشد هیچ گاه به بهانه‌های دنیوی مانند حق الزحمه ناکافی، دیر شدن پرداخت ها، کم بودن تعرفه‌های پزشکی، مشکل شخصی با مدیر بیمارستان یا دانشگاه یا دانشکده، در ایفای نقش و رسالت خود کوتاهی رهی کند. وی تمامی صفات و رفتار های خود را بر اساس شریعت، سامان می‌دهد و سبک زندگی او برگرفته از آموزه‌های دینی است که در قالب عبادات، نیایش ها، اصول اخلاقی در عرصه ف ردی، خانوادگی و اجتماع ی، قوانین و مقررات مختلف در عرصه‌های گوناگون، در قرآن و سنت بیان شده است.

**کل نگری نسبت به شخصیت دانشجویان** مدرس بر خوردار از معنویت قرآنی، خود را مسئول ارتقاء و رشد همه جانبه شخصیت دانشجویان دانسته شعار او این نیست که : مرا با اخلاق و باورهای دینی و رفتار های دانشجو چه کار، این ها به عهده نهاد های فرهنگی است؟! او می‌داند که معیار انسان کامل، تعالی و رشد او در سه حوزه علم، ایمان و عمل صالح است (۸) و نباید ابعاد شناختی، مهارتی و اخلاقی دا نشجویان را مستقل از هم تلقی کرد امام کاظم(ع) فرمود:" علم انسان‌ها را در چهار چیز یافتم: اول این که به خدا معرفت داشته باشی؛ دوم بدانی که خدا چگونه با تو رفتار می کند؛ سوم آن که بدانی خدا از تو چه انتظاری دارد و چهارم آن که بدانی چه چیزی تو را از دین خارج می‌کند(۴۵).

**احساس مسئولیت همراه با شفقت و مهربانی**

مدرس معنویت گرا، دانشجویان را نه به عنوان منابع در آمد خویش، بلکه به چشم فرزندان خود می‌بینند. همان طور که برای افت تحصیلی فرزندان خود احساس مسئولیت می‌کند و از رشد آنان مسرور می‌شود همین رفتار را با دانشجویان خود دارد . برای رفع موانع پیشرفت یا عوامل افت تحصیلی دان شجویان وقت می‌گذارد، فکر می‌کند و راه حل می‌دهد. مولف معراج السعاده در باب آداب تعلیم می‌نویسد: - مدرس و معلم- بر متعلم- و دانشجو- مهربان و مشفق باشد او را نصیحت‌های مشفقانه نماید و با نرمی و گشاده رویی با او سخن گوید (۴۶). عطوفت و مهربانی سبب می‌شود تا دانشجو مسائل و مشکلات تحصیلی و حتی عاطفی خود را با استاد در میان گذاشته و از او برای حل آن ها کمک بگیرد. این اتفاق مبارک زمانی تحقق می‌یابد که مدرس بتواند محبت دانشجو را به خود جلب نموده و زمان کافی برای شنیدن حرف‌های دانشجویان اختصاص دهد و آن را جزء وظایف استادی خود بداند . راه جلب محبت هم محبت کردن است. پیغمبر(ص) به عنوان معلم انسان‌ها از همین طریق توانست امر خطیر هدایت و تعلیم را به نتیجه برساند:" به- برکت- رحمت الهی، در برابر آنان- مردم- نرم- و مهربان- شدی؛ و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند"(۴۷).

**ب. حیطه رفتاری( اخلاقی، عبادی، فقهی)**

تفکر معنوی مدرس باعث می‌شود تا وی انسان را ترکیبی از جسم و روح الهی دانسته، تزکیه معنوی و اخلاقی دانشجویان را نیز جزء وظایف اصلی خود بداند . او با این باور که تقوای الهی باعث می‌شود آموختن و آموزش برای انسان آسان‌تر و موثرتر گردد:" هر کسی که تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند"(۴۸)، هم خود در این زمینه می‌کوشد و هم فراگیران را به آن فرا می‌خواند. یکی از رسالت‌های اصلی پیامبر(ص) تهذیب و تزکیه معنوی انسان است (۴۹) بنا بر این مدرس معنویت گرا با عنایت به این رسالت مهم ، در انتقال مفاهیم دینی و معنوی، با مطالعه آثار مرتبط، بهترین و موثرترین شیوه ها را به کار می‌بندد. وی ارتقاء علمی دانشجویان را جدای از تعالی معنوی آن ها ندانسته، در این راستا از هیچ تلاشی دریغ رهی ورزد.

**ب-۱. حیطه اخلاقی**

**نیت الهی (اخلاص) در آموزش.** نخستین ادب از آداب تعلیم آن است که معلم و مدرس قصد قربت داشته، و غرض او از درس گفتن، جاه و ریاست و بزرگی و شهرت و مقصودش مجمع آرایی و خودنمایی نباشد ...، بلکه منظور او به غیر از ارشاد و احیای دل های مرده و رسیدن به ثواب های پروردگار، دیگر چیزی نباشد (۴۶). اخلاص عبارت است از خالص ساختن قصد از غیر خدا و پرداختن

[ Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-22 ]

نیت از ماسوی الله(۵۰). به همین دلیل است که در قرآن کریم و روایات تاکید زیادی براین شده است . قرآن کریم می‌فرماید: " پس خدا را پرستش کن و دین خود را برای او خالص گردان آگاه باشید که دین خالص از آن خداست."(۵۱). مدرسی که همه فعالیت های حرفه‌ای، آموزشی- درمانی را "عبادت" تلقی می‌کند به خوبی می‌داند که هر فعالیتی برای رضای خدا و در مسیر خوشنودی او و ترقی جامعه اسلامی باشد، به ویژه تعلیم و تعلم، از برترین عبادت هاست. دانش، به خوبی می‌تواند این نقش عبادی را ایفا نماید با چهارکارکرد : افزایش معرفت انسان نسبت به خدا، تعالی بخشیدن به جامعه اسلامی و اعتلای کلمه الله، هدایت بخشی به دیگران؛ حل مسائل جوامع بشری و مسلمانان (۵۲).

هر دانشی با این چها رویکرد، علم مفید است و با این معیار، همه علوم می‌توانند وسیله تقرب معنوی به خداوند باشند هم علوم خاص دینی و هم علوم طبیعی؛ در غیر این صورت، چنین علمی مترادف با جهل خواهد بود (۵۳). در روایات علوم مفید، مایه حیات و زندگی؛ گنج پایان ناپذیر ، مایه رهایی و نجات (۵۴) و چراغ راه معرفی شده است. مدرس معنویت گرا، این نگاه معنوی را به شیو ه‌ای درست به دانشجویان منتقل می‌کند تا به حرفه پزشکی، نه به عنوان دکانی برای کسب درآمد بیشتر، که عبادت تلقی می‌شود.

استاد معنویت گرا به تاثیر مستقیم یا غیر مستقیم رفتار و گفتار خود در فضای آموزشی آگاهی کامل داشته، نقش خود را در این حوزه با رعایت شاخص های و "کدهای اخلاقی" زیر دنبال می‌کند:

**آغاز کر دن فعالیت آموزشی با نام خدا .** استاد معنویت گرا آموزش را با نام خدا به خصوص با عبارت قرآنی "بسم الله الرحمن الرحیم " آغاز نموده، و به برکت آن محیط آموزشی را معطر به عطر معنویت می‌سازد. پیامبر(ص) فرمود:" سرآغاز علم، شناخت خداوند و سرانجام آن، واگذاری امور به اوست ". بکار بردن به موقع از عبارتی همچون ان شا الله یا اگر خدا بخواهد، یا به امید خدا، و ... تعابیری که بار معنوی دارد می‌تواند در ایجاد فضای معنوی در کلاس کمک کند. همان طور که آشنایی مدرس با قرآن و حدیث، زمینه را فراهم می‌سازد تدر فرصت‌های مناسب و به جا از آن ها استفاده نموده، فضای آموزشی را معنوی نماید.

**تواضع در برابر خلق.** به تعبیر علی (ع) رأس علم، تواضع و فروتنی است(۵۶، ۵۵). " هر که در مقابل متعلم و دانشجو فروتنی نشان دهد و در مقابل عالمان و دانشمندان خود را پایین آورد به سبب علمش، آقا یی و سیادت می‌نماید"(۵۷). زیرا" میوه و نتیجه تواضع، محبت است"(۵۸). علم همراه با تزکیه نفس، راهنمای انسان در قلمرو نظر و عمل و معیار انسانیت به شمار می‌آید (۸) اما علمی که همراه با تزکیه نباشد حتی علم توحید هم حجاب اکبر است، لذا برخی از نویسندگان از " قبله نمای بهره وری از علم " نیز سخن گفته‌اند (۵۹). استاد معنوی همواره تواضع در برابر دانشجویان را در سرلوحه افکار و اعمال خود قرار می‌دهد.

**سلام کردن.** از نشانه های اولیه تواضع، ابتدا کردن به سلام در هنگام مواجهه با دانشجویان در هنگام ورود به فضای آموزشی است . این رفتار ، رابطه را دوستانه و صمیمانه ساخته، تاثیر الگویی استاد را دوچندان می‌سازد. پیامبر(ص) فرمود: "سرآمد تواضع آن است که به هرکس برخورد کردی سلام کنی و هر کس سلام کرد پاسخش را بدهی و دوست نداشته باشی که مدحت را گویند "(۶۱-۶۰).

به عنوان مثال، رفتار اخلاقی با بیمار در آموزش‌های بالینی، برای استاد معنویت گرا تعریف شده است، ریز برنامه خود در بالین بیمار را از اول تا آخر طراحی کرده است: سلام، احوالپرسی، خوشرویی، ارتباط کلامی – حرکتی، امیدوار کردن بیمار،توجه دادن به شفابخش بودن خداوند، وسیله بودن خود و داروها، رعایت محرم و نامحرم، خداحافظی و آرزوی بهبودی کردن . نتیجه رعایت این اصول، انتقال تعهد و تخصص‌همزمان به فراگیران است

**امانتداری.** بزرگترین امانت، جوانانی هستند که در کسوت دانشجو در اختیار استاد قرار گرفته‌اند و از جمله واجبات دینی حفظ امانت است (۶۲). امانت‌هایی که رسالت سنگین ارتقاء علمی و معنوی آن ها به مدرس واگذار شده است . مدرس معنویت گرا دانش، مهارت و اخلاق درست را با مهربانی در اختیار دانشجو قرار می‌دهد تا علم و ایمان، مایه حیات معنوی دانشجویان گردد، زیرا احیاء یک فرد برابر با احیاء همه انسان‌هاست و پاداش این



[ Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-22 ]

جهاد حیات بخش را فقط خدا می‌داند؛ در غیر این صورت کار او قتل نفس خواهد بود نه احیای آن (۶۳) .

او در ارائه اطلاعات علمی خود، بخل نمی ورزد. نراقی می‌نویسد: ادب سوم آن که چون او را سزاوار علم می داند مضایقه نکند و ضنت (دریغ) و بخل نورزد (۶۴). کتمان دانش در قرآن نیز به شدت مورد مزمت قرار گرفته است(۶۵).

**جهاد علمی.** استاد معنویت گرا در حوزه تخصص خود، همواره "به روز" است و جهاد علمی مستمر، در دستور کار او قرار دارد . جدیدترین دست آورد های علمی و تکنیک‌های تشخیص و درمان را در اختیار دانشجویان، رزیدنت‌ها و دستیاران قرار می‌دهد. پیامبر(ص) نیز که خود متصل به خزانه علم الهی است از خداوند می‌خواهد بر دانش و علمش بیافزاید (۶۶). و امام حسن (ع) فرمود: به دیگران علم خود را بیاموز، و علوم دیگران را نیز فرا بگیر تا دانش خود را محکم نموده، به آن چه نمی دانستی آگاه شوی (۶۷). از آن جا که هر روز با دست آور های جدید در عرصه‌های مختلف دانش پزشکی مواجهیم استاد معنویت گرا وظیفه خود می‌داند تا به جدید ترین دانش‌ها و مهارت‌ها دست یافته، دانشجویان را به سمت تولید علم و پژوهش فرا بخواند. علی(ع) می‌فرماید: بر کسی طبابت می‌کند لازم است تقوا پیشه سازد، نصیحت و موعظه بپذیرد و جهاد( مستمرعلمی) داشته باشد (۶۸).

ز فرموده پیشوایان دین
توان یافت دستور کاری چنین
کسی کو پزشکی کند انتخاب
بباید کند سعی در پنج باب
نخست آن که در "طب بکوشد" همی
نیاساید از کسب دانش دمی
دوم آن که با "بینش راستین"
کند با "عمل" "علم" خود را قرین
سوم آن که در طی این دو مقام
" جهدی" کند مستمر و مدام
چهارم به خود باشدش اعتقاد
بهر آن چه گوید کند اعتماد
به پایان " ز تقوی" دمی نگذرد
" خدا را" همواره به یاد آورد
کسی را چنین گفت بتوان طبیب
کز اقبال خلق است او را نصیب (۶۸).

**پرهیز از سخنان و عبارات نامناسب با شان استادی– دانشجویی.** بکار بردن کلمات نامناسب، به خصوص در زمان غلبه هیجان عصبانیت و خشم، هم تاثیرگزاری مدرس را کاهش داده، و هم در فرآیند یاد دهی، به خصوص انتقال مفاهیم معنوی و اخلاقی به شدت تاثیر منفی می‌گزارد. "ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الهی پیشه کنید و سخن حق بگویید"(۶۹). در حدیث است که :" اسلحه انسان های پست و فرومایه، کلام زشت است"(۷۰).

مدرس معنویت گرا، در سخن گفتن، عفت و پاکی را رعایت و از تعابیر محترمانه استفاده می‌کند(۷۱)، از خودستایی و تحقیر دانشجویان و سایر اساتید گریزان است. علی(ع) فرمود: بدترین کارها، رضایت از خویشتن- خود پسندی- است(۷۲). رعایت این اصول به ظاهر ساده اخلاقی، اعتماد دانشجو را جلب کرده، تاثیرگزاری مدرس را هم در انتقال مفاهیم علمی و هم اخلاقی مضاعف می‌گرداند.

**ب–۲. حیطه عبادی**

**تواضع در برابر خالق.** مدرس معنویت گرا می‌داند که: «تنها، دانشمندان از بندگان خدا، نسبت به او خشیت دارند» (۷۳). « خشیت» به عنوان نتیجه علم حقیقی، از صفات برجسته مومنان معرفی شده است (۷۴). علی(ع) فرمود: کسی که نسبت به خدای متعال خشیت دارد علمش کامل است (۷۵). خشیت یعنی ترس آمیخته با رجاء، حالتی است که عبد را در مقام عبودیت نگه می‌دارد، و از عذاب معبودش، نه ایمن می‌شود و نه ناامید(۷۶). خشیت، نتیجه آگاهی فرد از عظمت و بزرگی طرف مقابل است که باعث می‌شود فرد، آگاهانه، ادب حضور نگاه دارد و درعین حال از انس با او لذت ببرد . مدرس معنویت گرا با بیان شگفتی های خلقت انسان، مرتبط با رشته تخصصی خود، همواره دانشجویان را به عظمت آفریننده رهنمون می‌سازد و آن ها را به تواضع و فروتنی در برابر تعالیم الهی فرا می‌خواند. به تعبیر علی(ع)، علم مایه حیات است (۷۷) و نتیجه آن اطاعت از خدا (۷۹-۷۸).

[ Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-22 ]

استاد معنویت گرا خاکساری خود در برابر خالق را در هنگام نماز نشان می‌دهد. به تعبیر علی(ع)، ثمره علم حقیقی اطاعت و بندگی خداست (۸۰). علی بن الحسین(ع) فرمود: کسی که به آن چه خداوند بر او واجب نموده، عمل نماید بهترین انسان هاست (۸۱). مدرس معنویت گرا با شنیدن حی علی الصلوه، خود را آماده دیدار با معبود می‌کند و این فریضه الهی را هم در عمل و هم در گفتار به دانشجویان خود گوشزد می‌کند.

علم، آن باشد که بشناسی به وی
لطف و فیض قادر و قیوم و حی(۸۲).

**ب-۳. حیطه فقهی و شرعی**

مدرس معنویت گرا می‌کوشد اهمیت رعایت حقوق و احکام شرعی پزشکی را در تعامل با بیماران، به دانشجویان گوشزد نموده، آنان را به رعایت حلال و حرام و احترام به اعتقادات دینی بیماران دعوت نماید . و با التزام عملی به احکام شرع، نقش الگویی خود را به خوبی ایفا می‌کند. مانند رعایت احکام شرعی در اتاق تشریح، توجه دادن دانشجویان به این احکام، رعایت محرم و نامحرم و همدردی با مریض در آموزش های بالینی، رعایت احکام شرعی در اتاق احیاء و در یک جمله رعایت قوانین و مقررات مربوط به انطباق امور پزشکی با مسائل شرعی در تمام فضاهای آموزش علوم پایه و بالینی.

طبیبی که باشد و را زرد روی
از او داروی سرخ رویی مجوی(۸۳).

علی(ع) فرمود: من شما را به هیچ طاعتی بر نیانگیختم مگر آن که در آن از شما سبقت گرفتم و از هیچ معصیتی شما را نهی نکردم مگر آن که قبل از شما از آن دوری جسته ام (۸۴). امام صادق(ع) فرمود: هر گاه عالمی به علم خویش عمل نکند مواعظ او از دل ها زدوده می‌شود همان طور که باران از روی سنگ صاف می‌لغزد (۸۵).

**قانون گرایی.** مدرس معنویت گرا در انجام نقش آموزشی، پژوهشی و درمانی خویش همه قوا نین را حتی الامکان رعایت می‌کند. احترام به قانون با تفکر معنوی او عجین شده، خلاف قانون را بر اساس فتوای فقهاء جایز نمی داند. بنا براین قانون گرایی و رعایت مقررات آموزشی در فضای آموزشی و درمانی را در رفتار روزمره او می‌توان به وضوح مشاهده کرد.

مولف معراج السعاده از شرایط حاکم بر فضای آموزشی عصر خویش می‌نالد که: کسی معرفت با اهل این زمان داشته باشد، می‌داند که آداب تعلیم و تعلم، مثل سایر اوصاف کمالیه، مهجور و معلم و متعلم از ملاحظه شرایط دورند. زمان و اهل آن فاسد و بازار هدایت و ارشاد کاسد (بی رونق) گشته، نه نیت معلم خالص است و نه قصد متعلم.... و از این جهت است که از هزار نفر یکی رتبه کمال حاصل نمی شود (۸۶).

امید آن که با گسترش شاخص های معنویت گرایی و اخلاق در آموزش پزشکی، که دانش آموختگان آن با جسم و روح اشرف مخلوقات سرو کار دارند، فضاهای آموزشی به چنین آفاتی دچار نشود.

**بحث و بررسی:** معنویت در اندیشه قرآنی، جستجوی مقام قرب الهی، از طریق ایمان، عمل صالح و نفی بندگی غیر خداست.(۱۷). تفاوت میان دو انسان معنویت گرا و مادی گرا را در نوع نگاه آنان به جهان، خدا ، انسا ن و حیات، باید جست و جو کرد . مدرس معنویت گرا با نگاه معنوی به جهان هستی، خود را از حصار تنگ ماد ه و طبیعت رها ساخته، چشم به جهان ماوراء طبیعت گشوده است. وی بعد روحی انسان را اصیل دانسته، همراه با کسب دانش و مهارت در عرصه پزشکی، تربیت روح را در کانون توجه خود قرار می‌دهد. در نگاه او حیات انسان هم دو سطح دارد : "حیات طبیعی " و "حیات حقیقی یا معنوی" که در "تاله" و الهی شدن انسان شکل می‌گیرد. حیات متالهانه انسان، به نگرش توحیدی او به جهان و انسان وابسته است؛ اگر این نگرش از او سلب شود، در فرهنگ جامع دین، در شمار مردگان درمی‌آید(۲۸).

مدرس معنویت گرا نگاه ویژ ه‌ای به جهان، انسان، آموزش، دانشجو، کلاس، حرفه استادی، اهداف آموزشی، اخلاق، قوانین و مقررات آموزشی و غیره دارد . وی برای ایفای نقش خود، نیازمند مجموع ه‌ای از شاخص‌ها در دو حیطه: شناختی(اهداف، عقائد، ارزش‌ها) و رفتاری (فقهی، اخلاقی و عبادی) است:

**الف. حیطه شناختی (عقائد، ارزش ها).** نگاه معنوی داشتن به علم، یکی از اصلی ترین شاخص هاست. همان پرده برداشتن از اسرار "کتاب شریعت " علم اسلامی است و هم گشودن اسرار "کتاب طبیعت "(۳۶). مدرس معنویت گرا با این نگاه قرآنی به علم، می‌تواند



[ Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-22 ]

تقدس ذاتی علم، به ویژه دانش پزشکی و علوم مرتبط را به دانشجویان گوشزد نماید تا طبابت را که با شریف‌ترین موجودات سروکار دارد با دنیاگرایی مذموم نیالایند.

مدرس معنویت گرا، تکلیف گراست و هیچ گاه به بهانه‌های دنیوی مانند حق الزحمه ناکافی، دیر شدن پرداخت‌ها، کم بودن تعرفه های پزشکی، مشکل شخصی با مدیر بیمارستان یا دانشگاه یا دانشکده ، در ایفای نقش و ر سالت خود کوتاهی ن می کند. وی دانشجویان ر ا به چشم فرزندان خود می‌بیند و برای رفع موانع پیشرفت یا عوامل افت تحصیلی دانشجویان وقت می‌گذارد، فکر می‌کند، راه حل می‌دهد.

**ب. در حیطه رفتاری (اخلاقی، عبادی، فقهی).** در حیطه رفتاری- اخلاقی، نیت الهی (اخلاص) در آموزش، نخستین ادب از آداب تعلیم است. هدف مدرس از آموزش جاه و ریاست و بزرگی و شهرت و خودنمایی نیست . او همه فعالیت‌های حرفه‌ای، آموزشی- درمانی را "عبادت" تلقی می‌کند و به خوبی می‌داند که هر فعالیتی برای رضای خدا و در مسیر خوشنودی او و ترقی جامعه اسلامی باشد، به ویژ ه تعلیم و تعلم، از برترین عبادت‌هاست. مدرس معنویت گرا، این نگاه معنوی را به شیوه‌ای درست به دانشجویان منتقل می‌کند تا به حرفه پزشکی، نه به عنوان دکانی برای کسب درآمد بیشتر، که از سنخ عبادت و خدمت به خلق نگاه کنند.

مدرس معنویت گرا با وضو وارد عرصه آموزش شود . چه این که طهارت باطنی و شادابی حاصل از وضو، تاثیرات قابل توجهی بر روح و روان مدرس و دانشجویان خواهد گذاشت و در تامین اخلاص در نیت موثر خواهد افتاد. پیغمبر(ص) فرمود: اگر توانستی در تمامی حالات شب و روز با طهارت باشی، چنین کن؛ زیرا اگر در این حال از دنیا بروی شهید خواهی بود(۴).

مدرس معنویت گرا به تاثیر مستقیم یا غیر مستقیم رفتار و گفتار خود در فضای آموزشی آگاهی کامل داشته، نقش خود را در این حوزه با رعایت شاخص های و کدهای اخلاقی زیر دنبال می‌کند:

او فعالیت آموزشی خود را با "نام خدا" به خصوص با عبارت قرآنی "بسم الله الرحمن الرحیم " آغاز می‌کند. تواضع در برابر دانشجویان را در سرلوحه افکار و اعمال خود قرار می‌دهد و از نشانه های اولیه تواضع، ابتدا کردن به سلام در هنگام مواجهه با دانشجویان در هنگام ورود به فضای آموزشی است . پیامبر(ص) فرمود: "سرآمد تواضع آن است که به هرکس برخورد کردی سلام کنی و هر کس سلام کرد پاسخش را بدهی"(۴۶).

سلام، احوالپرسی، خوشرویی، ارتباط کلا می‌– حرکتی، امیدوار کردن بیمار، توجه دادن به شفابخش بودن خداوند- وسیله دانستن خود و داروها، رعایت محرم و نامحرم، خداحافظی و آرزوی بهبودی کردن برای بیمار، سیره عملی مدرس معنویت گراست و نتیجه آن انتقال تعهد و تخصص به فراگیران است.

وی وظیفه خود می‌داند تا در یک جهاد علمی مستمر، جدید ترین دانش ها و مهارت ها دست یافته، دانشجویان را به سمت تولید علم و پژوهش فرا خواند . مدرس معنویت گرا، در سخن گفتن عفت و پاکی را رعایت می‌کند از تعابیر محترمانه استفاده می‌کند؛ از خودستایی و تحقیر دانشجویان و سایر اساتید و همکاران به شدت پرهیز می‌کند.

در حیطه رفتاری - عبادی، استا د معنویت گرا خاکساری خود در برابر خالق را در هنگام نماز نشان می‌دهد و این فریضه الهی را یا در عمل و یا در گفتار به دانشجویان خود گوشزد می‌کند.

در حیطه رفتاری- فقهی، می‌کوشد اهمیت رعایت حقوق و احکام شرعی پزشکی را در تعامل با بیماران، به دانشجویان گوشزد نمو ده، آنان را به احترام نسبت به اعتقادات دینی بیماران دعوت نماید و با التزام عملی به احکام شرع، نقش الگویی خود را به خوبی ایفا کند . مانند رعایت احکام شرعی در اتاق تشریح، توجه دادن دانشجویان به این احکام، رعایت محرم و نامحرم و همدردی با مریض در آموزش های بالینی، رعایت احکام شرعی در اتاق احیاء و رعایت قوانین و مقررات مربوط به انطباق امور پزشکی با مسائل شرعی در تمام فضاهای آموزشی.

احترام به قانون در عرصه آموزش، پژوهش و درمان با تفکر معنوی مدرس معنویت گرا عجین شده، خلاف قانون را بر اساس فتوای فقهاء جایز نمی داند.

## نتیجه گیری

[ Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-22 ]

برخورداری از نگرش مثبت و توحیدی به جهان، انسان، حیات، مهم ترین شاخص های معنویت گرایی در "حوزه آگاهی و بینش " است و سبک زندگی و رفتار مطابق با توحید و عمل بر مبنای شریعت ، شاخص‌های معنویت گرایی در "حوزه رفتار". سلامت معنوی انسان نیز تنها در پیروی از نسخه شفابخش الهی، قرآن کریم(۸۷) و اقتدا به طبیب جان آدمیان حضرت ختمی مرتبت(ص) تحقق می‌یابد(۸۸).

نشانه معنویت گرایی، آراسته شدن ک مدرس به همه خوبیها، پیراسته شدن از کژیها و ناراستی ها، اتصاف به صفات جلال و جمال الهی، دستیابی به حیات حسنه در دنیا و زندگی حسنه در آخرت(۸۹). معنویتی که قرآن ارائه می‌کند معنا دهنده به همه ابعاد زندگی، تاثیرگذار، امیدبخش، شورانگیز، مسئولیت آفرین، و جاری درهمه ابعاد وجودی انسان می‌باشد. این معنویت انسان و جامعه را به توسعه همه جانبه فرا خوانده، دی‌ن و دانش، عقل و عشق، جسم و روح، دنیا و آخرت را قرین هم ساخته، خط بطلانی بر تمامی معنویت‌های مونتاژ شده، بریده از وحی و سکولار عصر حاضر می‌کشد(۹۰).

مدرس معنویت گرا، با تکیه بر نگاه معنوی- قرآنی به جهان، انسان و زندگی، نگاه ویژ ه‌ای به آموزش، دانشجو، کلاس، حرفه استادی، اهداف آموزشی، اخلاق حرفه‌ای، مقررات آموزشی و غیره دارد . و آراسته به مجموعه‌ای از شاخص‌هاست که عبارتند از:

**الف. حیطه شناختی (عقائد، ارزش‌ها).** برخورداری از قلب سلیم، نگاه معنوی به علم، مقدس دانستن هنر استادی، تکلیف گرایی، احساس مسئولیت همراه با شفقت و مهربانی؛ ب. حیطه ر فتاری(اخلاقی، عبادی، فقهی ): نیت الهی ( اخلاص) در آموزش، تواضع در برابر خدا و خلق، آغاز کردن فعالیت آموزشی با نام خدا، پاکی در گفتار، امانتداری ، جهاد علمی مستمر، به روز بودن، تنظیم رفتارهای آموزشی خود با شریعت و اخلاق حرفه‌ای، و قانون گرایی.

مدرس معنویت گرا، دانش پزشکی و آموزش آن را امری مقدس تلقی نموده، هم ارتقاء علمی و هم معنوی دانشجویان را رسالت الهی می‌بیند، او به جهت پایبندی به شریعت و ملاحظه نظارت الهی بر اندیشه و رفتار خویش، به نقش الگویی خود به خوبی واقف است و تلاش می‌کند نقش خود را در عرصه آموزش بهتر و موثرتر به انجام رساند و الگوی مناسبی در عرصه آموزش، پژوهش و اخلاق حرفه‌ای برای فراگیران باشد.

## References


1. Faramarz Qaramaleki A, An Abstracts of 3rd conference on Medical Ethics, Moral in Education. 2013; 78-79 (Persian).
2. Miller J P, The Education and soul, to a spiritual termic curriculum, Trans: Qourchian, first publication, Nashre Farashenakhty Andisheh, Tehran. 2002; 48(Persian).
3. Koleini M, Usoul-e-kafee, Trans: Seiied Javad Mustafavi, Nour publication Institution, Tehran, no date, v 3:26; v 1:48(Persian).
4. Omeedvar A F, Akhlaqe Tadrees, Daftare Nashre Maaref, Qom. 2005; 43 (Persian).
5. Wolf D M, Psychology and religion, Trans: Mohammad Dehghani, Roshd Press, Tehran, 2008: 38(Persian).
6- Fuller, Robert C. Spiritual, but Not Religious. Beliefnet.com. Retrieved on 2011; 12-03
7- Gorsuch R. L & Miller, W. R. Assessing spirituality. In W. R. Miller (Ed), Integrating spirituality into Treatment, Washington, DC: American Psychological Association. 1999; 47-64.
8. Zakavi A A, The criteria of humanity in the Quran based on Tafsir al-Mizan, Afaqe Din Journal, Tehran, Allameh Tabatabaie University. N5, 2012; 59-83 (Persian).
9. Ibn e Monzour, Lesan al-Arab, Adab Va Howzeh Press. 1970(Arabic).
10. Farhangestane Jomhourye Islami, a research in spiritual health, Majmooeh Maqalat of an Introduction on spiritual health, 2000; 43 (Persian).
11- Hick J, the religious Meaning of life, In Joseph Runzo and Nancy M, Martin (Eds), the Meaning of life in the world Religions, 2000; 269- 286.
12. Soleymani A, asqari,KHoda va Maanaye Zendegy, Naghd Va Nazar journal, 2000; 30-31: 95-142(Persian).


[ Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-22 ]

13. Holy Qur'an, Trans: Naser Makarem Shirazi, Qom, Sarmayeh press. Baqara: 156.

14. Ibid. Zaryat: 56.

15. Ibid. Towbeh: 31.

16. Ibid, Anaam: 162

17. Marzband R, Zakavi A, The factors of spiritual health in Islamic revealed teachings, Medical Ethics journal, Tehran, Shaheed Beheshty University. 6, N 20, 2013; 70-99.

18. Holy Qur'an, Sajdeh:4.

19. Ibid. Baqara: 2.

20. Ibid. Anaam: 75.

21. Ibid. Roum: 7.

22. Ibid. Aaraf: 185; Forqan: 44.

23. Javady A, Tafseere Insan be Insan, Asraa Center Press, Qom, 2006; 150-165(Persian).

24. Holy Qur'an, Aaraf: 179; Forqan: 44.

25. Ibid. Hejr: 29; Saad: 72

26. Ibid. Yaseen: 70

27. Ibid. Baqara: 30

28. Javady A, Zendegye Haqiqye Ensan Dar Qurane Karyem, Tafseere Mouzooie Qur'an, , Qom, Asraa Center press. 2009; V 15:15-17; 54-58 (Persian).

29. Holy Qur'an, Farer: 22.

30. Ali Bin Abeetaleb, Nahjolbalaqah (p.b.u.h), Trans: Ali Shirvani, Qom, Nassim Hayat Press, Khotbeh. 2005; 87(Persian).

31. Holy Qur'an, Maedeh: 15.

32. BehPajooh A, Aducation Workshop on Tarrahie Tajrobehhaye yadgeeri va yaddehie Asarbakhsh, Tehran University. 2011 (Persian).

33. Mesbah M T, Akhlaq dar Quran, Tehran, Amir Kabeer Press. 1995; V 3, 201-218 (Persian).

34. Koleini M, Usoul-e-kafee, Trans: Seiied Javad Mustafavi, Tehran, Nour publication Institution. No date; v 3:26 (Persian).

35. Tabatabaie M H, Tafseer Al-mizan, Trans: seiad Mohammad Baqer Mousavi, Qom, Daftare Intesharate Islami press. 2012; V 17:941 (Persian).

36. Javady A, Sourat va Seerate Insan dar Qur'an, Tafseere mouzouie Qur'an, Qom, Asraa Center Press. 2005; V14:36-37 (Persian).

37. Khameneie S A, Sayehsare welayat, Qom, Maaref Press. 2005; V2:150 (Persian).

38. Javady A, Tafseere Insan be Insan, Qom, Asraa Center Press. 2006; 223 (Persian).

39. Khomeini R, Chehel Hadith, Tehran, Imam Khomeini institution. 2000; 369 (Persian).

40. Holy Qur'an, Zaryat: 20-21.

41. Mohammadi Reyshahri M, Mizan al-hikmah, Al- aalam al-Islami press, Tehran. 2002; V6: 469 (Arabic).

42. Ibid. 473.

43. Noormohammadi Gh, Motoone Islamy Baray Daneshjooyane Pezeshki, Qom, Nahade rahbari press in universities. 2000; 49 (Persian)

44. Ibne shoaabeh Harrani A M, Tohaf al-ughoul an Al- rasoul, Trans: Ahmad Jannati, Tehran, Elmieh Islamiieh press. no date: 229(Persian)

45. Majlesi M B, Behar al-anvar, Tehran, Dar al-kotob al-islamiiah press. 1956; V 1: 203 (Arabic).

46. Naraqi A, Mearaj al-saadah, Qom, Hejrat press. 2005: 105-106(Persian).

47. Holy Qur'an, Alleomra: 159.

48. Ibid. Talaq: 2.

49. Ibid. Jomeh: 2; Baqara: 129.

50. Majlesi M B, Behar al-anvar, Tehran, Dar al-kotob al-islamiiah press. 1956; V 1: 610(Arabic).

51. Holy Qur'an, Zomar:2-3.

52. Golshani M, Quran va Oloume Tabeei, Edit: Mohammad khajehpeeri, Tehran, Islamic Azad University press. 2000; 50-70 (Persian).

53. Ibid. Roum: 70.

54. Amedi A, Ghorar al-hikam, Trans: Mohammad Ali ansari, Qom, Imam Asr Press. 2006; Hadith Nomber 230, 1610, 231(Persian).

55. Hakimi m, Hakimi A, Al-hayat, Trans: Ahmad Aram, Qom, Dalile Ma Presson. 2000; V 1: 516(Persian).

56. Khomeini R, Chehel Hadith, Tehran, Imam Khomeini institution press. 2000; 39 (Persian)

57. Majlesi M B, Behar al-anvar, Tehran, Dar al-kotob al-islamiiah press. 1956; V 75: 6 (Arabic).

[ Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-22 ]

58. Omeedvar A F, Akhlaqe Tadrees, Qom, Daftare Nashre Maaref press. 2005; 139(Persian).

59. Javady A, Tafseere Insan be Insan, Qom, Asraa Center Press. 2006; 244-248 (Persian).

60. Omeedvar A F, Akhlaqe Tadrees, Qom, Daftare Nashre Maaref, press. 2005; 140. (Persian).

61. Naraqi A, Mearaj al-saadah, Qom, Hejrat press. 2005; 296. (Persian).

62. Holy Qur'an, Momenoun: 8.

63. Ibid. Maedeh: 32.

64. Naraqi A, Mearaj al-saadah, Qom, Hejrat press. 2005; 104. (Persian).

65. Holy Qur'an, Baqara: 159, 174.

66. Ibid. Taha: 114.

67. Majlesi M B, Behar al-anvar, Tehran, Dar al-kotob al-islamiiah press. 1956; V 75: 111 (Arabic).

68. Noormohammadi Gh, Motoone Islamy Baray Daneshjooyane Pezeshki, Qom, Nahade rahbari press in universities. 2000; 54-55 (Persian).

69. Holy Qur'an, Ahzab: 70.

70. Majlesi M B, Behar al-anvar, , Tehran, Dar al-kotob al-islamiiah press. 1956; V 75: 175 (Arabic).

71. Omeedvar A F, Akhlaqe Tadrees, Qom, Daftare Nashre Maaref press. 2005; 133-135 (Persian).

72. Mohammadi Reyshahri M, Mizan al-hikmah, Tehran, Al- aalam al-Islami press. 2002; V 6: 47 (Arabic).

73. Holy Qur'an, Fater: 23.

74. Ibid. Raad: 21; Anbia: 49.

75. Amedi A, Ghorar al-hikam, Trans: Mohammad Ali ansari, Qom, Imam Asr Press. 2006;Hadith Nomber: 8544(Persian).

76. Tabatabaie M H, Tafseer Al-mizan, Trans: seiad Mohammad Baqer Mousavi, Qom, Intesharate Islami press. 2012; V 17: 101 (Persian).

77. Mohammadi Reyshahri M, Mizak al-hikmah, Tehran, Al- aalam al-Islami press. 2002; V 6: 452(Arabic).

78. Holy Qur'an. Saba: 21; Anbia: 51, 54.

79. Mohammadi Reyshahri M, Mizak al-hikmah, Tehran, Al- aalam al-Islami press. 2002; V 6, 499 (Arabic).

80. Amedi A, Ghorar al-hikam, Trans: Mohammad ali ansari, , Qom, Imam Asr Press. 2006: Hadith Nomber: 8588(Persian).

81. Koleini M, Usoul-e-kafee, Trans: Seiied Javad Mustafavi, , Tehran, Nour press Institution. no date; v 3:26; v 3:128 (Persian).

82. Sheikh Baha'i, Nan va paneer, (Persian), Available in: http://www.gangoor.net.

83. Noormohammadi Gh, Motoone Islamy Baray Daneshjooyane Pezeshki, Qom, Nahade rahbari press in universities. 2000; 94 (Persian).

84. Amedi A, Ghorar al-hikam, Trans: Mohammad Ali ansari, Qom, Imam Asr Press. 2006; Hadith Nomber: 305(Persian).

85. Omeedvar A F, Akhlaqe Tadrees, Qom, Daftare Nashre Maaref press. 2005; 62 (Persian)

86. Naraqi A, Mearaj al-saadah, Qom, Hejrat press. 2005; 105.

87. Holy Qur'an. Asra: 82.

88. Ali Bin Abeetaleb, Nahjolbalaqah (p.b.u.h), Trans: Ali Shirvani, Qom, Nassim Hayat Press. 2005; Khotbeh: 108(Persian).

89. Holy Qur'an. Baqara: 201; Aaraf: 156.

90. Roodgar M J, Maanavyat dar Quran, Islamic Science Journal, Summary. 2010;4(14) (Persian), available in: http://www.sid.ir/fa/ViewPaper.asp?ID=113527&varStr=2.

[ Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-22 ]